

اقدامات دولتمردان ایرانی برای بازسازی بقیع و تسهیل زیارت در آن

رضاتقی زاده نائینی (نویسنده مسئول)^۱

محمدکاظم شفایی^۲

چکیده

هشتم شوال ۱۳۴۴ قمری (چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۰۵) وهابیان به قبرستان بقیع حمله و بناهای قبور مطهراتمه علیها السلام، صحابه و بزرگان اسلام را تخریب کردند. انتشار این خبر در ایران زمینه ساز اقداماتی از سوی دولتمردان ایرانی و علما در راستای محکومیت و بازسازی بقیع می شود. در دوره پهلوی وزارت خارجه از یک سو و مجالس شورای ملی و سنا از سوی دیگر پیگیر بازسازی مشاهد مشرفه بقیع بوده اند که در نهایت دولت سعودی با اقدامات وزارت خارجه ایران موافقت می کند که سایبان و دیواری در مجاور قبور ایجاد کند.

در دوره جمهوری اسلامی کارگزاران ایرانی علاوه بر مطالبه بازسازی بقیع، در تلاش بوده اند که اقداماتی برای رفع محدودیت و سخت گیری های عوامل سعودی و تسهیل زیارت ایرانیان صورت گیرد. در هر دو دوره تاریخی محدودیت های شرعی وهابیان مانعی برای بازسازی بقیع و بهبود شرایط زیارت بوده است که با مذاکره

۱. دانشجوی دکتری تصوف و عرفان اسلامی، دانشگاه ادیان و مذاهب. قم. نویسنده مسئول
rtaqizade81@gmail.com

kazemshafa@Gmail.com

۲. کارشناسی ارشد تاریخ انقلاب اسلامی

سعی بر تعدیل این محدودیت‌ها بوده است و در مقاطعی نتایج مثبتی نیز حاصل شده است. واکاوی مذاکرات و اقدامات دولتمردان ایرانی بیانگر این مطلب است که زمانی مذاکرات بازسازی بقیع نتیجه بخش خواهد بود که طرفین همزمان از دو جنبه مختلف مذهبی و سیاسی به توافق برسند.

کلید واژه‌ها: بقیع، ایران، عربستان سعودی، وزارت امور خارجه، مجلس شورای ملی، مجلس سنا

مقدمه

قبرستان بقیع معتبرترین و با احترام‌ترین قبرستان مسلمانان است. دفن چهار تن از ائمه معصومین علیهم‌السلام و چهره‌های شاخصی از صحابه و مذاهب اهل سنت همچون عثمان بن عفان، عقیل، مالک بن انس و نافع و نزدیکان پیامبر صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم در صدر اسلام (چون فرزندان، همسران و عمه‌های حضرت) در این قبرستان، از دلایل توجه و اشتیاق مسلمانان به این قبرستان بوده است. این اشتیاق دلیلی بود تا حکومت‌ها و امیران متولی حرمین شریفین علاوه بر توجه خاص به مساجد این دو شهر، نگاهی ویژه به عمران و آبادانی بقیع داشته باشند.

نخستین منابع تاریخ مدینه از ساختن بناها و مسجد روی برخی از قبور بقیع چون عباس بن عبدالمطلب، عموی پیامبر، و امامان شیعه خبر داده‌اند. (ابن زبale، ۱۴۲۴ق، ج ۱، ص ۱۲۶ و ۱۲۷) در قرون ششم تا هشتم سفرنامه نویسان و مورخان مانند ابن جبیر (م ۶۱۲ق) (ابن جبیر، ۱۹۸۶م، ص ۱۵۵)، ابن نجار (م ۶۴۳ق) (ابن نجار، ۱۴۲۷ق، ص ۱۵۳) و ابن بطوطه (م ۷۷۹ق) (ابن بطوطه، ۱۴۱۷ق، ج ۱، صص ۳۶۱ و ۳۶۰) از آثار و بناهای موجود در بقیع یاد کرده‌اند. آنها از مجدالملک براوستانی، وزیر قمی برکیارق سلجوقی (حکومت: ۴۸۶-۴۹۶ق)، به عنوان نخستین سازنده گنبد روی قبور ائمه مدفون در بقیع خبر داده‌اند. (قزوینی رازی، ۱۳۹۱، صص ۹۱ و ۲۳۶)

در دوران قاجاریه شخصی به نام حاجی عبدالحسین امین‌التجار در حدود سال ۱۲۷۲ قمری ضریحی فولادی برای حرم ائمه بقیع در اصفهان ساخت. بر اساس اسناد وزارت خارجه، بعضی از دولتمردان قاجاری پیگیر ارسال ضریح از اصفهان به جده بوده‌اند و مکاتباتی با دولت عثمانی در استانبول داشته‌اند. افرادی چون اتابک اعظم (صدر اعظم مظفرالدین شاه)، نصرالله مشیرالدوله (وزیر امور خارجه مظفرالدین) و یحیی خان (مشاور الوزرا) را می‌توان نام برد. (احمدی، ۱۴۰۱ق، صص ۲۵-۲۰)

گسترش قدرت آل سعود از منطقه نجد به دیگر نقاط شبه جزیره و تصرف حجاز به دست نجدیان و همراهی ایشان با آیین وهابیت، که بلند کردن سطح قبور و ساختن بنا روی آن را از مظاهر شرک می‌دانستند، موجب شد که بناها و بقعه‌های بقیع چون دیگر زیارتگاه‌ها و آثار و بناهای تاریخی شهر مکه و مدینه تخریب شود؛ حتی خزانه‌های حرم نبوی نیز از دستبرد و تصرف وهابیان در امان نماند.

با تسلط مجدد عثمانی‌ها بر حرمین برخی از این بقعه‌ها به دستور سلطان محمود دوم (حکومت: ۱۲۲۳-۱۲۵۵ق) بازسازی شد، اما با تسلط مجدد آل سعود و وهابیان بر حجاز و حرمین، در سال ۱۳۴۴ قمری تمامی بناهای ساخته شده بر قبور شهدای احد و قبرستان معلا در شهر مکه و همچنین بقاع بقیع، به فاصله کوتاهی از یکدیگر تخریب شدند. (رک: نجاتی و جعفری، ۱۳۹۹ش، صص ۱۹۷-۱۸۶)

در تاریخ ۸ شوال ۱۳۴۴ قمری (چهارشنبه ۳۱ فروردین ۱۳۰۵ش) بقیع تخریب شد (صبری پاشا، ۱۳۷۷، ص ۱۰۶) این اقدام وهابی‌ها با محکومیت شدید علما و مردم ایران و دیگر مسلمانان سایر ممالک روبه‌رو شد. (رک: احمدی، ۱۴۰۰، صص ۷۲۲-۲۴۷) مسلمانان مناطقی چون آذربایجان، تفلیس، ازبکستان، ترکمنستان، قزاقستان، تاتارستان، ترکیه، افغانستان، چین و مغولستان با ارسال نامه و تلگراف از رییس دولت ایران خواستار

پیش قدم شدن و همراهی با سایر دولت های اسلامی برای مقابله با اقدامات وهابیان شدند. (زاور، ۱۳۹۷ش، ص ۳۰) در هندی نیز جنبش خلافت رهبری، وظیفه اعتراض به تخریب آثار اسلامی در حرمین را برعهده داشت. شوکت علی، منشی افتخاری کمیته مرکزی خلافت، در نامه خود به مجلس شورای ملی علاوه بر محکومیت و اعلام انزجار از اقدامات سعودی ها، تشکیل کنفرانسی از سران دولت های اسلامی برای تصمیم گیری درباره اداره منطقه حجاز را پیشنهاد داد. (همان، ص ۳۰)

دولت آل سعود به منظور کاستن از عواقب اعتراضات مسلمانان، تشکیل اجتماعی تحت عنوان «کنفرانس خلافت اسلامی» را دنبال کرد و هدف از ایجاد آن را آنچنان که به نماینده اعزامی ایران اعلام کرد تعیین امور سیاسی دینی حجاز عنوان کرد. (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۴۸) اما چند ماه بعد و پس از تسلط بر جده و مدینه، ملک عبدالعزیز در اعلان ارسالی برای دولت های اسلامی با معرفی خود به عنوان پادشاه حجاز، اعزام نمایندگانی را برای تشکیل کمیسیونی جهت تصمیم گیری در شیوه حج گزاری و راحتی حاجیان، و نه شیوه اداره حجاز، درخواست داد. (همان، صص ۵۹-۵۸)

ابتدا دولت های ایران، ترکیه و افغانستان این نشست را تحریم و از اعزام نمایندگانی به آن خودداری کردند (استادی، ۱۳۹۶ش، ص ۲۰۲)، متأسفانه دولت های اسلامی در وضعیت بین المللی بعد از جنگ جهانی اول و اوایل دهه بیست میلادی با پذیرش این مسئله (به قدرت رسیدن آل سعود در حجاز و تخریب آثار اسلامی حرمین) به تدریج روابط خود با دولت عربستان سعودی را برقرار کردند، اما تخریب گنبد قبور ائمه بقیع برای شیعیان مسئله ای فراموش نشدنی بود و از آن زمان دنبال راهی برای بازسازی بناهای مزارهای مقدس بقیع بوده اند.

در این مقاله سعی نویسنده بر آن است تا اقدامات صورت گرفته از سوی

مقامات رسمی حکومت ایران در دوبازه زمانی قبل و بعد از انقلاب را بررسی کند. نگارندگان قصد پرداختن به واکنش‌ها در مقابل تخریب بقعه‌ها، جز چند نمونه مختصر، را نداشته و تنها به اقدامات مقامات سیاسی ایرانی برای ساخت دوباره بنا روی قبور ائمه بقیع و تسهیل زیارت در آن پرداخته است. در این رابطه اقدامات وزارت خارجه، گفت‌گوها و بحث‌های طرح شده در مجلس شورای ملی و مجلس سنا و اقداماتی که مقامات جمهوری اسلامی انجام داده‌اند، واکاوی شده است. واکنش‌های اعتراضی دولت و محافل غیردولتی ایران نسبت به تخریب بقعه‌ها بلافاصله پس از این اتفاق با شدت آغاز شد. در منابعی که بخشی از آنها در پیشینه پژوهش معرفی شده به این اقدامات اشاره شده است.

پیشینه پژوهش

درباره بقیع مقالات و کتاب‌های فراوانی به زبان‌های مختلف نگاشته شده که عمده این آثار به جایگاه دینی و فرهنگی این قبرستان یا مشاهیر مدفون در این مکان و کیفیت و احکام زیارت مقبران پرداخته‌اند که برخی از آنها عبارتند از: مجموعه مقالات «آرمیدگان بقیع» در شماره‌های مختلف فصلنامه میقات حج،^۱ بقیع الغرقد،^۲ شیعیان بقیع،^۳ واکاوی جایگاه فرهنگی و تمدنی بقیع،^۴ و مجموعه اشعار بقیع.^۵

۱. رک: پژوهشکده حج و زیارت، آرمیدگان بقیع.

۲. رک: پورامینی، بقیع الغرقد فی دراسه الشامله.

۳. رک: عسکریپور، شیعیان بقیع.

۴. رک: ابوطالبی، واکاوی جایگاه فرهنگی و تمدنی بقیع، پایان‌نامه دکتری رشته شیعه‌شناسی، راهنما: نعمت‌الله صفری فروشانی، قم، دانشگاه ادیان و مذاهب، ۱۳۹۸ ش.

۵. رک: حیدری دولت‌آبادی، مجموعه اشعار بقیع، اصفهان، مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۰.

در سال‌های اخیر تألیفات بیشتری به بحث تخریب بناها و گنبد‌های قبور بقیع اشاره کرده‌اند و با رویکردهای متفاوتی به این اتفاق نگریسته‌اند. برخی از دید معماری^۱ یا داستان و شعر و ادبیات،^۲ گروهی از منظر فقهی و کلامی،^۳ بعضی با نگاه حقوقی^۴ و تعدادی هم جنبه تاریخی این اتفاق را بررسی کرده‌اند. عمده نگاشته‌ها با جهت‌گیری تاریخی و تنها به ذکر رویدادهای مربوط به تخریب و روند این اتفاق پرداخته‌اند^۵ و واکنش‌های صورت‌گرفته در مواجهه با آن را توصیف کرده‌اند که در این باره می‌توان به مقالات محمدسعید نجاتی^۶ و مقاله «تخریب

۱. ر.ک: ملایی، طراحی حرم بقیع با رویکرد معاصر و اسلامی عربی ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته مهندسی معماری، محمدرضا ملایی، راهنما: مهدی حمزه‌نژاد، تهران، دانشگاه علم و صنعت، ۱۳۹۹ش؛ قندچی، طراحی قبرستان بقیع و حرم ائمه معصومین، پایان‌نامه کارشناسی ارشد، رشته معماری، راهنما: هادی نعیمی، تهران، دانشگاه شهید بهشتی، ۱۳۷۷ش.

۲. ر.ک: طرحی برای یک ضریح: مجموعه داستان تخریب بقیع، به کوشش حیدرعلی جعفری، تهران، مشعر

۳. ر.ک: ساجدی، «بازخوانی، نقد و تحلیل مبانی و هابیت در تخریب بارگاه‌های موجود در بقیع از دیدگاه مذاهب اسلامی»، پژوهشنامه حج و زیارت، س ۷، ش ۱۶، بهار ۱۴۰۱.

۴. ر.ک: قائمی، «زیارت بقیع؛ مطالعه عملکرد کشور عربستان در پرتو نظام بین‌المللی حقوق بشر»، پژوهشنامه حج و زیارت، س ۵، ش ۱۵، پاییز ۱۳۹۹؛ قائمی، «حقوق گردشگری مذهبی با تأکید بر حقوق سالمند به مثابه زائر بقیع»، پژوهشنامه حج و زیارت، س ۷، ش ۱۶، بهار ۱۴۰۱.

۵. ر.ک: الموسوی، الثامن من سوال أو حادثة البقیع؛ هاجری، البقیع قصة تدمیر آل سعود للآثار الاسلامیه فی الحجاز؛ معاش، فاجعه البقیع؛ الصفار، یوم البقیع؛ الحیدری الموسوی، قبور ائمه البقیع قبل تهמידها؛ نجاتی، «مروری کوتاه بر دو تخریب بقاع بقیع».

۶. در این زمینه محمدسعید نجاتی مقالات متعددی دارد که از آن جمله است: «واکاوی واکنش علمای عراق به تخریب بقاع بقیع»، مجموعه مقالات همایش مسلمانان عراق و حج و حرمین، «تحلیلی از واکنش انگلستان به پیگیری‌های مسئله بقیع طی سال‌های ۱۹۲۵-۱۹۳۱م»، «در پرتو برخی اسناد تازه نشر»، «اعتراض علامه شرف‌الدین به تخریب بقاع بقیع و تلاش‌های بین‌المللی».

بقیع به روایت اسناد» از سیدعلی قاضی عسکرو مجموعه دو جلدی اسناد تخریب بقیع، که به کوشش علی احمدی جمع‌آوری شده، اشاره کرد. درباره بازسازی بناهای بقیع تنها می‌توان به تألیف سیدعلی قاضی عسکر با عنوان تخریب و بازسازی بقیع به روایت اسناد اشاره کرد. نویسنده در این کتاب تلاش کرده با بررسی اسناد تاریخی، علل و عوامل تخریب قبرستان بقیع و تلاش‌های وزارت خارجه پهلوی برای بازسازی بقیع در طول دهه‌های گذشته را واکاوی و تحلیل کند. اخیراً با دسترسی به اسناد مرکز اسناد وزارت خارجه ویرایش جدیدی از این کتاب منتشر شده است. عمده تمرکز این کتاب بر اسناد دولتی و مکاتبات میان مقامات دولتی با دیگر مقامات دولتی یا روحانی است. نگارندگان مقاله حاضر نیز در جایی که برای حفظ انسجام روایت، به گزارش اقدامات مسئولین دولتی نیاز بود از این کتاب استفاده کرده‌اند.

اقدامات وزارت خارجه پهلوی برای بازسازی بقیع

اولین اشاره به بازسازی اماکن تخریب شده مربوط به ملاقات حبیب‌الله هویدا و ملک عبدالعزیز است که گزارش آن در نامه هویدا به وزارت خارجه ایران آمده است. ملک در این دیدار خود را مخالف تخریب بناها و قبور معرفی کرده و تأکید می‌کند که در صورتی که نمایندگان کشورهای اسلامی در کنفرانسی که ملک عبدالعزیز به دنبال برگزاری آن است، به بازسازی و تعمیر قبور تصمیم بگیرند، شخص ملک نیز با این تصمیم مساعدت و همراهی خواهد کرد. (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۴۸).

به رسمیت نشناختن پادشاهی عربستان از سوی ایران و عدم حضور نمایندگان ایران و چند کشور دیگر اسلامی، حاضران و تصمیمات این کنفرانس هم بسیار محدود و تأمین‌کننده دیدگاه آل سعود بود. پس از به رسمیت شناختن حاکمیت

جدید عربستان از سوی ایران و برقراری روابط دیپلماتیک میان دو کشور در سال ۱۳۰۸ شمسی (همان، ص ۷۵-۷۹)، به نظر می‌رسد مسئله بقیع و پیگیری آن در اولویت‌های سیاست خارجی ایران قرار ندارد و در اسناد منتشرشده از مذاکرات و دیدارهای دیپلماتیک صحبتی در محکومیت تخریب قبور ائمه بقیع یا تلاش برای بازسازی آنها مشاهده نمی‌شود. البته ناگفته نماند، گزارشی از مذاکرات جمعی از حجاج ایرانی به همراهی مرحوم صاحب الفصول با پادشاه عربستان و وعده ملک به این گروه برای به‌سازی، نظافت محوطه قبور ائمه و قبرستان و کشیدن دیواری به دور آن در سال ۱۳۰۶ شمسی موجود است که در نهایت به ساخت دیواری در اطراف قبور مطهر ائمه بقیع منجر می‌شود. (قاضی‌عسکر، ۱۳۹۹ ش، صص ۲۹۱-۲۸۲)

نخستین تلاش‌های جدی دیپلماتیک ایران برای بازسازی بقیع به سال‌های ابتدایی سلطنت محمدرضا شاه باز می‌گردد. محمود جم، سفیر کبیر ایران در مصر، به تاریخ ۱۳۲۲/۶/۲۴ در نامه‌ای که به وزارت امور خارجه ایران می‌نویسد، ضمن اشاره به درخواست حاج آقا حسین قمی برای مرمت قبور ائمه بقیع، از دیدار خود با کاردار سفارت سعودی در مصر خبر داده که در این دیدار از ایشان می‌خواهد دولت عربی سعودی با تعمیر اماکن متبرکه بقیع موافقت کند. (قاضی‌عسکر، ۱۳۹۹ ش، صص ۲۹۷-۲۹۵)

در تاریخ ۱۳۲۲/۰۷/۰۶ سفیر کبیر ایران در قاهره نامه‌ای محرمانه به نمره ۱۴۰ به وزارت خارجه ایران، به دیدار آقای غفار جلال (وزیر مختار شاهنشاهی ایران در مصر) با ابن السعود در حجاز اشاره کرده است که ملک از تخریب بعضی از بقاع متبرکه عذرخواهی کرده و وعده داده اگر دولت شاهنشاهی مایل به تعمیر خرابی‌ها باشد، ممانعت نکند. (همان، صص ۲۹۹-۲۹۸)

مظفر اعلم، وزیر مختار شاهنشاهی و نماینده دولت ایران در جدّه، از سال ۱۳۳۰ شمسی کوشش‌هایی در این زمینه داشته است. اعلم در تاریخ ۱۳۳۰/۹/۲۱ در نامه‌ای به شماره ۴۰۲ خطاب به کمیسیون دائمی حج و همچنین در نامه دیگری به تاریخ ۱۳۳۰/۱۲/۲۷ از جدّه خطاب به آقای کاظمی (وزیر امور خارجه) اظهار می‌کند دنبال این است که برای ساختن دیواری با پنجره‌های آهنی گرد محوطه مدفن مطهر ائمه موافقت اولیای دولت سعودی را جلب کند که اقلاً این قبور میان این چهار دیوار محفوظ بماند و سایه بانی مقابل این محوطه به وسعت ۱۲۰ متر مربع مانند سایه بان بین صفا و مروه، ساخته شود. (همان، صص ۳۶۰-۳۱۱)

اعلم در ۲۰ فروردین ۱۳۳۱ با امیر فیصل و امیر عبدالله (وزیر کشور) و در آخر با امیر مدینه ملاقات می‌کند و در نهایت قرار بر این می‌شود که ساختن سایه بان به دایره توسعه حرم ارجاع شود که ضمن کارهای جاری خود، موضوع بقیع را نیز انجام دهند. (قاضی عسکر، ۱۳۹۹ش، صص ۳۱۵-۳۱۴)

مظفر اعلم در تاریخ ۱۳۳۱/۴/۱۰ بار دیگر با امیر فیصل در طائف ملاقات می‌کند تا برای تجدید جلب توجه امیر به موضوع ساختمان سایه بان و دیوار بقیع اقدام کند. چنین به نظر می‌رسد که این آخرین رایزنی اعلم با امیر فیصل بوده باشد. (همان، ص ۳۴۴)

در تاریخ ۱۳۴۹/۱۱/۲۷ آقای قاسمی (سرپرست اداره اول سیاسی وزارت خارجه) در دیداری با عبدالعزیز العقیل (رایزن سفارت عربستان در ایران) درباره درخواست جمعی از روحانیان پاکستان در خصوص تعمیر قبور ائمه اطهار در بقیع مذاکره می‌کند. (محقق، ۱۳۷۹ش، ص ۲۶۰) نماینده سعودی در این باره می‌گوید: در حال حاضر بقیع دارای در و دیوار و مأمور مراقب و نظافت چی است، ولی روی قبور،

بقعه و بارگاه و سنگ و علامتی چنان که خواست شیعیان است، قرار ندارد و این به مقتضای آیین فرقه وهابی است. (قاضی عسکر، ۱۳۹۹ش، صص ۳۴۵-۳۴۴)

اقدامات پارلمانی مجلس شورای ملی بعد از واقعه تخریب بقیع

انتشار خبر تخریب در ایران، در بازه زمانی است که دوره پنجم مجلس شورای ملی خاتمه یافته و مجلس ششم هم شروع به کار نکرده است. تیمورتاش (وزیر دربار پهلوی) در نامه ای (هفتم خرداد ۱۳۰۵) خطاب به رضاشاه ضمن اشاره به دستور وی برای پیگیری قضیه بقیع، اعلام می کند که مقرر شده است کمیسیونی متشکل از روحانیان و رجال درجه اول تشکیل شود و درخواست می کند در جلسه سه شنبه ۱۰ خرداد، که در قصر پهلوی تشکیل می شود، حاضر شود. کمیسیون مذکور عنوان «کمیسیون دفاعیه حرمین شریفین» را یدک می کشید.

دومین جلسه کمیسیون جمعه ۱۳ خرداد در مجلس شورای ملی تشکیل می شود و در آن گزارش های رسیده و نتایج تحقیقات به عمل آمده بررسی می شود. بر اساس مکاتبات مجلس شورای ملی این کمیسیون جلساتی، از ۱۲ خرداد ماه ۱۳۰۵ تا سوم تیر، در ساختمان مجلس تشکیل داده است. روز شنبه ۱۴ خرداد ۱۳۰۵ نیز هیئت مذکور در نامه ای به ریاست وزرا سه درخواست مطرح می کند:

۱. حضور شخصی آگاه به نظر دولت از وزارت خارجه در کمیسیون دفاعیه حرمین شریفین.

۲. دستور به جراید که دریافت اخبار کمیسیون تنها از طریق همین کمیسیون باشد.

۳. مجانی شدن تلگراف های کمیسیون. (تقی زاده نائینی، ۱۴۰۱ش، صص ۲۲-۱۸)

با شروع به کار دوره ششم مجلس عده ای از نمایندگان مسائل مربوط به وهابیان و تخریب بقیع را در دستور کار قرار می دهند. در جلسه ۱۲ مجلس شورای ملی مورخه

پنج‌شنبه ۳۱ شهریور ۱۳۰۵ - سیداحمد بهبهانی نماینده تهران درخواست می‌کند که دولت با نمایندگان کشورهای مصر، ترکیه و افغانستان برای تشکیل کنفرانس اسلامی مذاکره کند و با توافق نمایندگان کشورهای مختلف اسلامی یک حکومت بین‌المللی اسلامی در حجاز تشکیل دهد و از هر یک از ممالک مستقل اسلامی کمیسرهایی در حجاز گماشته شوند. همچنین پیشنهاد تشکیل کمیسیونی مرکب از دوازده نفر منتخب از شعب شش‌گانه مجلس با شرکت دولت با قید دو فوریت را مطرح می‌کند. (همان، ص ۶۲-۶۳) این پیشنهاد در جلسه ۱۵ مجلس یکشنبه ۱۰ مهر ۱۳۰۵ به تصویب می‌رسد. (همان، ص ۶۳-۷۶)، براساس اسناد موجود کمیسیون تا مدتی در این موضوع به فعالیت ادامه داده است. از این تاریخ به بعد اطلاعاتی از اقدامات کمیسیون به دست نیامد و دیگر شاهد اقداماتی از جانب مجلس شورای ملی درباره واقعه تخریب بقیع نمی‌باشیم تا اینکه در جلسه ۸۳ دوره شانزدهم پنج‌شنبه ۲۵ آبان ماه ۱۳۲۹ - ابوالفضل حاذقی (نماینده جهرم) در نطق خود به اعتراض مسلمانان به وضعیت نامناسب قبرستان بقیع اشاره کرده و از وزارت امور خارجه برای رسیدگی به امور بقیع درخواست تعیین وزیر مختار ایران در عربستان می‌کند. (تقی‌زاده نائینی، ۱۴۰۱ش، ص ۷۹-۸۱) همچنین در جلسه ۲۲۰ دوره بیست و یکم مجلس یکشنبه ۱۴ آذرماه ۱۳۴۴ - سرلشکر نکوزاد (نماینده خرم‌آباد) با اشاره به سفر ملک فیصل، پادشاه عربستان، به ایران درخواست می‌کند که بازسازی قبور ائمه اطهار در قبرستان بقیع را محمدرضا پهلوی مطرح کند. (همان، صص ۸۹-۸۸)

اقدامات پارلمانی مجلس سنا بعد از واقعه تخریب بقیع

به موضوع بازسازی بقیع در مجلس سنا نیز توجه شده است و بعضی نمایندگان پیگیر این موضوع بوده‌اند. یکی از این افراد مرحوم دکتر احمد متین‌دفتری است

که به مناسبت های مختلف موضوع بازسازی حرم ائمه بقیع را در مجلس سنا مطرح کرده است. متین دفتری در جلسه ۵۳ دوشنبه ۱۳ آذرماه ۱۳۲۹- از وزیر امور خارجه وقت درباره اقدامات صورت گرفته در بازسازی بقیع سؤالاتی را مطرح می کند. محسن رئیس در پاسخ به ایشان گزارشی از اقدامات صورت گرفته از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۲۹ ارائه می کند. محسن رئیس بیان می کند که مقامات سعودی عدم رضایت خود را نسبت به این اعمال اظهار و آنها را منسوب به عده ای از متعصبین وهابی کرده که بدون اطلاع دولت مبادرت به ارتکاب آنها کرده اند. دیگر اینکه قطع روابط ایران و عربستان و پیشامد جنگ جهانی دوم را از عوامل معوق بودن پیگیری وضعیت بقیع معرفی می کند.

دکتر متین دفتری در پاسخ به اظهارات محسن رئیس می گوید: نباید پادشاه سعودی متعذر به معاذیر کوچک شود و با اشاره به استفاده هایی که در نتیجه حضور ایرانیان نصیب دولت سعودی می شود، داشتن سفارت در کشوری که به احساسات عالم شیعه احترام نمی گذارد را زیر سؤال می برد. (تقی زاده نائینی، ۱۴۰۱ ش، ص ۹۳-۹۸) سید جواد ظهیرالاسلام در جلسه بعدی مجلس سنا نسبت به سخنان وزیر امور خارجه انتقاد کرده و درخواست می کند که شاه در موضوع بقیع مستقیماً با ملک عبدالعزیز گفت و گو کند. (همان، صص ۱۰۰-۹۸)

متین دفتری در جلسه ۵۶ مجلس سنا با اشاره به بهانه دولت عربستان سعودی به علت یک اقلیتی (وهابیان) در موضوع خرابی قبور ائمه بقیع، نسبت به رفتار دول اسلامی در مجامع بین المللی معترض است. (همان، ص ۱۰۰) در جلسه ۶۲ مجلس سنا موضوع اعلامیه حقوق بشر و طرح آن در مجلس سنا را متین دفتری مطرح می کند و به ایرادهای متشرعین به این اعلامیه، که بعضی از قسمت های آن را خلاف شرع می دانستند، اشاره می کند. متین دفتری با اشاره شیعه هایی که

برای زیارت بقیع به مدینه رفته‌اند و با تضيیقات دولت سعودی مواجه شده‌اند، اظهار می‌کند: اعلامیه حقوق بشر می‌تواند مستمسکی باشد که براساس آن دولت سعودی نخواهد توانست به زوار شیعه و حاجیان ایرانی بی‌احترامی کند. (تقی‌زاده نائینی، ۱۴۰۱ش، صص ۱۰۲-۱۰۱)

در بهمن ماه سال ۱۳۲۹ شمسی در ایران خبری مبنی بر تخریب بخش‌هایی از مسجد النبی منتشر می‌شود. مرحوم بدیع الزمان فروزانفر (سناتور مشهد) در جلسه ۷۳ مجلس سنا در ۲۱ بهمن با اشاره به این موضوع می‌گوید: شاید فرصتی باشد که با دولت سعودی مذاکره شود و نسبت به مرمت بقاع متبرکه بقیع هم اقدام موکدی از طرف دولت بشود. (همان، صص ۱۰۶-۱۰۵)

در جلسه ۷۶ مجلس سنا در سال ۱۳۲۹- برای بار دوم سؤال دکتر متین‌دفتری از وزیر امور خارجه در موضوع تعمیر بقاع متبرکه بقیع در صحن علنی مجلس مطرح می‌شود که گویا پاسخ وزیر امور خارجه در جلسه ۱۷۵ مجلس سنا داده می‌شود. (همان، ص ۱۰۷)

از دیگر پیگیری‌های دکتر متین‌دفتری مربوط به جلسه ۱۷۲ چهارشنبه ۱۰ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ است. ایشان در این جلسه بیان می‌کند که در ملاقات با علمای نجف در ایام نوروز سال ۱۳۲۷ آقایان اظهار تأسف و تعجب می‌کردند از اینکه دولت شاهنشاهی ایران نسبت به خرابی بقاع متبرکه ائمه بقیع سکوت اختیار کرده و درخواست می‌کنند که توجه دولت را جلب و اقداماتی صورت گیرد که موانع تعمیر این بقاع از طرف حکومت عربستان سعودی مرتفع بشود. وی در ادامه می‌گوید: از آقای وزیر خارجه فعلی هم چندین بار نتیجه اقدامات را سؤال کرده است، ولی هنوز جواب رسمی نداده‌اند. (تقی‌زاده نائینی، ۱۴۰۱ش، ص ۱۰۸)

وزیر امور خارجه برای پاسخ به سؤال دکتر متین‌دفتری در جلسه ۱۷۵ دوشنبه

۲۲ اردیبهشت ماه ۱۳۳۱ - مجلس سنا حاضر می شود. باقر کاظمی در این جلسه خبر می دهد که موافقت هایی حاصل شده و دستورهایی لازم به امیر مدینه ابلاغ شده است که در تعمیر دیوار قبور ائمه اطهار علیهم السلام و ساختمان سایه بان در بقیع اقدام لازم به عمل آوردند و موضوع به اداره توسعه حرم، که مدتی است مشغول خالی کردن و توسعه اطراف حرم مطهر نبوی هستند، واگذار شده است تا ضمن کارهای دیگر خود این موضوع بقیع را نیز انجام دهند و حتی یک نفر مهندس ایرانی مقیم آن کشور درباره تعمیر قبور ائمه اطهار علیهم السلام شرکت خواهد داشت. (همان، صص ۱۱۰-۱۰۹)

مجدداً در جلسه ۱۸۲ مجلس سنا ۱۳۳۱/۳/۲۱ سؤال آقای فروزانفر از وزیر امور خارجه بدین شرح مطرح می شود: «آیا صحت دارد که تجدید بنای قبور ائمه بقیع موقوف شده است؟ در صورت صحت، چه اقدامی فرموده اند؟»

آقای کاظمی (وزیر خارجه وقت) پاسخ می دهد:

لازم می دانم توجه آقایان سناتورهای محترم را به بیاناتی که در جلسه دوشنبه ۱۳۳۱/۲/۲۲ در پاسخ سؤال جناب آقای دکتر متین دفتری ایراد نمودم، جلب کنم. در آن موقع به عرض رسانیدم که در اثر اقداماتی که در یک ساله اخیر به عمل آمده است، اولیای محترم دولت عربی سعودی موافقت کرده اند که در تعمیر دیوار قبور ائمه اطهار علیهم السلام و ساختمان سایه بان در بقیع اقدام لازم به عمل آورند و صحبت از تجدید بنای قبور ائمه اطهار علیهم السلام در بقیع در بین نبوده تا انصرافی از آن حاصل شده باشد. حالا اگر اشخاص غیرمسئولی برای تظاهر و خودنمایی، چه در ایران و چه در عراق، اظهارات مبالغه آمیزی کرده باشند، جز اینکه به اجرای اصل منظور صدمه زده باشند، نتیجه دیگری نداشته و ندارد و لذا به نظر اینجانب بهتر است همواره در این قبیل امور فقط نسبت به بیانات و اظهارات مقامات مسئول توجه فرموده و هرگونه توضیحی هم که لازم باشد از

وزارت خارجهٔ مربوطه بخواهند تا ابهامی در اصل موضوع حاصل نشده و سوء تفاهمی از اظهارات مبالغه‌آمیز دیگران ایجاد نگردد... اخیراً نیز دستورات جدید و مؤکدی برای انجام منظور به سفارت شاهنشاهی در جدّه صادر شده و امیدوار است نتیجهٔ رضایت‌بخشی حاصل و انجام این امر در آینده پایه و اساس موفقیت‌های مهم‌تری در این زمینه بشود. (تقی‌زاده نائینی، ۱۴۰۱ ش، صص ۱۱۲-۱۱۱)

متین‌دفتری در سال‌های بعد نیز مجدداً پیگیر موضوع بقیع بوده است. ایشان در جلسه چهارشنبه ۲۸ بهمن ماه ۱۳۴۳ دوره چهارم مجلس سنا ضمن ارائه گزارشی از سفر به هندوستان، عربستان و زیارت مکه و مدینه و توصیف وضعیت اسف‌انگیز قبرستان بقیع، از معاون وزارت خارجه، که در جلسه حضور داشته است، خواهش می‌کند با توجه به مناسبات حسنه‌ای که بین دولت ایران و سعودی هست، اقدام کنند تا این نقیصه جبران شود و بدون اینکه قضات متعصب و هابی تحریک بشوند، قبور ائمه بقیع از این صورت شرم‌آوری که برای عالم شیعه اسباب سرشکستگی است در بیاید. (همان، صص ۱۱۷-۱۱۵)

آخرین پیگیری‌های مجلس سنا در موضوع بقیع مربوط به درخواست مرمت قبور ائمه بقیع در سفر ملک فیصل (پادشاه عربستان) به ایران است که بهادری (نماینده تبریز) در جلسه ۱۳۹ شنبه ۲۰ آذر ۱۳۴۴ مجلس سنا مطرح کرده است. (همان، صص ۱۱۸-۱۱۷)

اقدامات دیپلماتیک جمهوری اسلامی

بعد از پیروزی انقلاب اسلامی به مناسبت‌های مختلف برای رفع مشکلات و بهبودی وضعیت بقیع و تسهیل زیارت در آن، مقامات ایرانی رایزنی‌هایی انجام دادند.

عبدالوهاب احمد عبدالواسع (وزیر حج و اوقاف عربستان) و دوتن از معاونان وی در تاریخ ۸ مردادماه ۱۳۶۵ در بعثه امام خمینی در مدینه منوره با آقای کروبی (نماینده امام) دیدار کردند. نماینده امام عنوان می‌کند که تفرقه بین مسلمانان جهان به نفع دشمنان اسلام است و با تأکید بر اهمیت زیارت قبرستان بقیع و دیگر اماکن متبرکه برای مسلمانان، یادآوری می‌کند که قبلاً مسئولان عربستان قول‌های مساعدی در این باره به مسئولان وزارت امور خارجه جمهوری اسلامی داده‌اند، اما متأسفانه هیچ‌کدام از آنها عملی نشده است. (فوزی و لطف‌الله زادگان، ۱۳۷۸ش، ص ۲۵۰)

بعد از این تاریخ، روز دوشنبه ۱۳۷۰/۲/۱۶ هیئتی متشکل از آقایان رضایی، محمد شریعتمداری و محسن شریفی عازم عربستان شد. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴ش، ص ۳۷) هیئت ایرانی در ملاقات با وزیر حج عربستان با طرح مسئله قبرستان بقیع، درخواست می‌کند که حتی اگر دولت سعودی قصد احداث بنا و مقبره‌ای در این قبرستان ندارد، دست‌کم در نظافت و مرتب نگه داشتن آن اهتمام لازم را مبذول دارد و نیز با باز نمودن در این قبرستان به روی زائران ایرانی به منظور زیارت قبور ائمه اطهار موافقت کند که آقای عبدالواسع موافقت می‌کند. در همان ایام آقای دکتر ولایتی دومین دیدار خود را نیز با ملک فهد انجام می‌دهد که طی آن مسئله بازسازی بقیع، با توجه به وضعیت نامناسبی که برای آن به وجود آورده بودند، مطرح می‌شود. فهد انجام برخی تغییرات و تحولات در آنجا را می‌پذیرد. شرایط اندکی بهبود یافته که صرفاً محدود به باز کردن در و تمیز کردن نسبی بخشی از محوطه می‌شود. (همان، صص ۱۰۴ و ۱۰۳)

مأموران سعودی موسم حج سال ۱۴۲۵ قمری از حضور خانم‌ها در سکوی جلوی

قبرستان بقیع، ممانعت کردند و به این ترتیب آنها حتی از این که بتوانند از پشت نرده‌ها نیز زیارت کنند، محروم شدند. (مختاری، ۱۳۸۴، ص ۷۸) آقای مسجدجامعی (وزیر ارشاد) در ملاقات با امیرعبدالله در ریاض خواستار حل این مشکل می‌شود. امیرعبدالله قول مساعد برای حل این مشکل داده و توصیه کرده که زائران ایرانی نیز کاری انجام ندهند که باعث تحریک وهابی‌ها شود. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴ ش، ص ۴۵)

آقای ری شهری در تاریخ ۶ مهر ۱۳۸۴ با آقای هاشمی رفسنجانی، که به تازگی از عمره بازگشته بود، دیدار می‌کند. البته ایشان پیش از این سفر با ارائه نامه‌ای حاوی مشکلات عمره، درخواست کرده بود که در مذاکرات با مقامات سعودی نسبت به رفع آنها اقدام شود. مرحوم هاشمی در این دیدار می‌گوید: در جلسه عمومی با امیرعبدالله موضوع بقیع را مطرح کرده، ولی امیرعبدالله پاسخ مشخصی نمی‌دهد. اما در جلسه خصوصی در منزل امیرعبدالله مشکلات مربوط به بقیع را هاشمی مطرح می‌کند که امیرعبدالله قول می‌دهد آنها را حل کند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴ ش، صص ۴۷۸-۴۷۷)

در خرداد ۱۳۸۷ آقای هاشمی رفسنجانی برای شرکت در کنفرانسی، به دعوت ملک عبدالله به عربستان رفت. وی در ملاقات خصوصی با ملک عبدالله بیان می‌کند که برخوردهایی که در بقیع با زائران می‌شود، و به خصوص برخورد با خانم‌ها و ممانعت از آنها برای زیارت بقیع، موجب می‌شود وجهه بدی از عربستان سعودی میان مردم ما ترسیم شود. ملک عبدالله در پاسخ می‌گوید: من این را می‌پذیرم و مقدمات تأمین خواسته شما را فراهم می‌کنم. او دستور می‌دهد اگر کسی به زائران ایرانی اهانت کند، برکنار شود. پس از آن نیز برخی مأموران افغانی در بقیع که برخوردهای نامناسبی داشتند، از آنجا برداشته شدند. هاشمی در ادامه می‌گوید: صحبت من با عبدالله

حداقل این اثر موقت را داشت که تا من آنجا بودم، خانم‌ها را هم به داخل بقیع راه می‌دادند. (محمدی ری شهری، ۱۳۹۴ ش، صص ۵۳۰-۵۲۹)

تحلیلی بر موانع و چالش‌ها

در بازه حدوداً صدساله تخریب بقیع و متعاقب آن اقدامات سیاسی صورت گرفته و همواره چالش‌ها و مشکلاتی بین طرفین دعوا وجود داشته که مانعی در دستیابی به انتظارات مطلوب شده است. مهم‌ترین چالش در این موضوع دیدگاه و عقاید وهابیان در موضوع زیارت قبور است. محمود جم (سفیر کبیرایران) در مصر از دیدار خود با کاردار سفارت سعودی در مصر خبر داده که در این دیدار از ایشان می‌خواهد دولت عربی سعودی با تعمیر اماکن متبرکه بقیع موافقت کند. کاردار سعودی می‌گوید: بنای ابنیه روی قبور مطابق احادیث صحیحه ممنوع و خلاف شرع است، اما به دلیل پافشاری محمود جم می‌گوید: تا آنجایی که شرع اجازه دهد، در انجام دادن تقاضای دولت شاهنشاهی موافقت می‌شود. کاردار سعودی تأکید خاصی بر مطابق بودن خواسته‌ها با مذهب وهابی دارد. (قاضی عسکر، ۱۳۹۹ ش، صص ۲۹۷-۲۹۵)

مظفر اعلم در نامه ۲۷ اسفند ۱۳۳۰ از جده در پاسخ آقای کاظمی (وزیر خارجه ایران) به مذاکرات آقای دشتی اشاره می‌کند که سابق بر این صورت گرفته است و بنا بر اظهارات آقای آزرمی، که در آن مذاکرات حضور داشته، امیر فیصل روی خوشی نشان نداده، متمسک به مشکلات مذهبی و عقیده‌ای شده و اظهار داشته که ممکن است هیئت علمی ایرانی در این زمینه با علمای ما وارد مباحثه شده و آنها را با ادله شرعیه متقاعد کنند یا خود مجاب شوند. اعلم در ادامه این نامه استنباط خود از شرایط جاری را چنین بیان می‌کند: «علمای وهابی در عقاید خود بسیار

متعصب و در امور مذهبی بر هیئت حاکمه مسلط هستند و تصور نمی‌رود در زمینه ساختن و پوشانیدن قبور موافقت کنند». (قاضی عسکر، ۱۳۹۹ش، صص ۳۱۲-۳۱۱)

همچنین مظفر اعلم در گزارش شماره ۱۷ مورخ ۱۳۳۱/۲/۱۶ - خطاب به اداره اول سیاسی وزارت امور خارجه اظهار می‌دارد که ملاقاتی با امیر عبدالله فیصل (کفیل نیابت سلطنت حجاز و وزیر کشور و بهداری) داشته و امیر بیان کرده که موضوع موافقت با ساختن دیوار و سایه بان به قوت خود باقی است، ولی دولت عربی سعودی با تعمیر قبور ائمه بقیع موافقت نمی‌کند؛ زیرا با اعتقادات مذهبی ما توافق ندارد و علمای مذهبی ما آن را نمی‌پذیرند. (قاضی عسکر، ۱۳۹۹ش، صص ۳۳۷-۳۳۶)

هاشمی رفسنجانی نیز در پاسخ به سؤالی در موضوع بقیع به عقاید مذهبی حاکم بر عربستان اشاره دارد. هاشمی در موضوع بقیع با مقامات سعودی وارد صحبت شده و چنین می‌گوید:

عرض کردم ببینید! شما طبق عقیده علمایی عمل کرده‌اید که مبانی غیر منطقی دارند که مورد پذیرش ما نیست و این قبرستان را به این صورت به حال خود گذاشته‌اید.... ما در این خصوص طرح معتدلی داریم. اجازه بدهید کل محوطه قبرستان بقیع را با سنگ‌های ایرانی مفروش می‌کنیم و دور مقابرائمه دیواری بسازیم و سایه بانی برای زائران در فاصله معقولی نسبت به مقابر در نظر بگیریم تا بتوانند از آن استفاده کنند. مقامات جواب منفی ندادند و امر را به رضایت علما موکول کردند.

من مایل بودم که با علمای رده اول عربستان در این زمینه به گفت‌وگو پردازم. در مکه با متولی حرم و امام جمعه، که فرد بسیار روشنی بود، صحبت کردم و ایشان را فردی قابل تفاهم یافتم. ولی ابراز شد که در این رابطه نظر علمای اهل

فتوا و اصیل تر، همچون آقای ابن باز، لازم است. ملاقات با وی را در برنامه من گنجاندند، ولی انجام نشد! به نظر می‌رسید که آنان برداشت خوبی در مورد پیشنهاد اصلاح ظاهر قبرستان بقیع ندارند. (هاشمی رفسنجانی، ۱۳۷۸ ش، ص ۷۰)

برای آشنا شدن با جو مذهبی حاکم بر عربستان بعد از تسلط وهابیان به گزارش مظفر اعلم رجوع می‌کنیم. اعلم این وضعیت را در نامه شماره ۱۷ وزارت امور خارجه به تاریخ ۱۳۳۱/۰۲/۱۶ چنین بیان می‌کند:

...هنوز نفوذ علمای وهابی در دستگاه دولتی عربی سعودی بسیار قوی است تا جایی که در هر شهری از این کشور هیئتی به نام هیئت امر به معروف هست که از دولت حقوق می‌گیرند و کارشان این است مراقب باشند و نگذارند اموری مخالف دین (یا مذهب وهابی درحقیقت) صورت گیرد این هیئت حتی در موضوع واردات گمرکی نظارت دارند و نمی‌گذارند کتاب‌های مخالف مذهب وهابی یا فیلم‌های سینما یا گرامافون و صفحه یا از این قبیل کالاها وارد مملکت شود و آنچه از این‌گونه چیزها در کشور سعودی دیده می‌شود، همه‌اش به طور قاچاق و مخفی داخل شده است و همین چند هفته پیش بود که در جده اطلاع حاصل کردند که شخصی در خانه‌اش سینما دارد و اشخاص به طور پنهانی با دادن مبلغی در منزل او از تماشای فیلم‌های سینمایی استفاده می‌کنند. در نتیجه فوراً به خانه او رفتند و دستگاه سینما و کلیه فیلم‌ها را بیرون آوردند و در ملاء عام آتش زدند و خود صاحب خانه را مجازات کردند. از این رو تصور می‌شود بهتر است در وضع حاضر، به همین اندازه به موافقتی که حاصل شده، اکتفا شود و از اقدامی که نتیجه مثبتی نخواهد داد، خودداری شود (قاضی عسکر، ۱۳۹۹ ش، صص ۳۳۸-۳۳۷)

چالش‌های وهابیان هنوز هم در سال‌های اخیر پابرجاست. محمدرضا باقری (معاون اسبق وزارت امور خارجه) می‌گوید: در ملاقات‌های مکرر با مسئولان حج، معاون وزیر حج و... بد اخلاقی‌ها و اذیت‌ها با حجاج ایرانی را می‌گفتیم. ایشان (فهد) یواشکی سرش را جلو می‌آورد و می‌گفت ما هم از دست اینها گرفتاریم. (باقری، ۱۴۰۱ش)

واضح است که شرایط مذهبی حاکم بر عربستان سعودی، اعتقادات مذهبی وهابیان و استناد به احادیث خاص درباره زیارت ساخت بنای روی قبور از مسائل مهمی است که هرگونه مذاکره در موضوع بازسازی بقیع و بهبود شرایط زیارت در آن را با چالش مواجه می‌سازد. هیئت حاکمه عربستان هم تمایل چندانی برای روبه‌رو شدن با قشر مذهبی و متعصب این کشور و ایجاد چالش با آنها به خاطر مسائل عقیدتی شیعیان را ندارند.

نتیجه‌گیری

تخریب بقیع در تاریخ ۸ شوال ۱۳۴۴ قمری به دست وهابیان و انتشار خبر آن موجی از واکنش‌ها را در جهان اسلام و ایران برانگیخت. به دنبال این حادثه در ایران اقداماتی از سوی علما، مقامات و مردم در محکومیت این واقعه و بازسازی بقیع صورت گرفت. در دوره پهلوی وزارت خارجه ایران از یک سو و مجلس شورای ملی و مجلس سنا از سوی دیگر پیگیر بازسازی مشاهد مشرفه بقیع شدند که در نهایت پیرو مذاکرات وزیرمختار ایران در عربستان، دولت سعودی موافقت می‌کند. سایبان و دیواری در محدوده قبور متبرکه ایجاد کند.

از طرفی حضور زائران ایرانی در بقیع همواره با محدودیت و سخت‌گیری‌هایی از سوی عوامل سعودی همراه بوده است. کارگزاران ایرانی در دوران جمهوری اسلامی

همواره در تلاش بوده اند که اقداماتی برای رفع موانع، کاستن از حساسیت ها و تسهیل زیارت زائران ایرانی صورت گیرد. توجه به این نکته لازم است که محدودیت های شرعی و سختگیری های شدید علمای وهابی در عربستان سعودی همواره مانعی برای بازسازی بقیع و بهبود شرایط زیارت بوده است که با مذاکرات سیاسی سعی بر تعدیل این محدودیت ها، ولو در حد اندک، بوده است.

مسئله بازسازی بقیع دیپلماسی خاص و چند جانبه ای را می طلبد. از یک سو باید علمای فرق مختلف اسلامی با علمای وهابی عربستان بر اساس مبانی فقهی و حدیثی به گفت و گو بنشینند تا در موضوع زیارت قبور به توافق برسند و از سوی دیگر سران مسلمان، مقامات سیاسی عربستان را مجاب کنند که برای بهسازی و عمران فضای محیطی بقیع اقدامات لازم را انجام دهند. بر اساس آنچه گفته شد، اقدامات دولت مردان ایرانی در سال های مختلف، هرچند برابر ارزش و عظمت بقیع کوچک است، اما نباید این جدیت و پیگیری ها را کم اهمیت در نظر گرفت.

منابع

۱. ابن بطوطه، محمد بن عبدالله، (۱۴۱۷)، تحفة النظار فی غرائب الامصار و عجائب الاسفار، تصحیح عبدالهادی التازی، رباط، مطبوعات اکادیمیة المملكة المغربية.
۲. ابن جبیر، محمد بن احمد، (۱۹۸۶)، رسالة اعتبار الناسک فی ذکر الاثار الکریمه و المناسک المعروف برحلة ابن جبیر، بیروت، دار و مكتبة الهلال.
۳. ابن زباله، محمد حسن، (۱۴۲۴ق)، اخبار المدينة، مدینه، مرکز بحوث و دراسات المدینة المنوره.
۴. ابن نجار، محمد بن محمود، (۱۴۰۱ق)، اخبار مدینة الرسول: المعروف بالدرة الثمینة، حقه و علق علیه و نشره صالح محمد جمال، مکه، مكتبة الثقافة.
۵. احمدی، علی، (۱۴۰۰)، اسناد تخریب بقیع، تهران، مشعر.
۶. استادی، رضا، (۱۳۹۶ش)، «درباره تخریب قبور ائمه بقیع (علیهم السلام)»، دوفصلنامه کتاب شیعه، شماره ۱۵ و ۱۶، ص ۱۹۰-۲۱۰.

۷. باقری، محمدرضا، (۳۰ اردیبهشت ۱۴۰۱)، «آمریکایی‌ها در قضیه برج‌های همکار می‌کنند»، ایسنا. <https://www.isna.ir/news/1401023020444>
۸. تقی زاده نائینی، رضا، (۱۳۹۹ش)، بقیع در سفرنامه‌های فارسی، تهران، مشعر.
۹. _____، (۱۴۰۱ق)، مذاکرات مجلس شورای ملی و سنا درباره بقیع، تهران، مشعر.
۱۰. پایگاه اطلاع‌رسانی مجلس شورای اسلامی
۱۱. زاور، علی‌اکبر، (۱۳۹۷ش)، حج در دوره پهلوی، تهران، امیرکبیر.
۱۲. صبری پاشا، ایوب، (۱۳۸۲)، مرآة الحرمین، تهران، میراث مکتوب.
۱۳. فوزی تویسرکانی، یحیی و لطف‌الله زادگان، علیرضا، (۱۳۷۸)، در تدارک عملیات سرنوشت‌ساز ۱۸ تیر تا ۲۰ شهریور ۱۳۶۵، تهران، سپاه پاسداران انقلاب اسلامی، مرکز مطالعات و تحقیقات جنگ.
۱۴. قاضی‌عسکر، سیدعلی، (۱۳۹۹ش)، غربت بقیع، تهران، مشعر.
۱۵. قزوینی رازی، عبدالجلیل، (۱۳۹۱)، بعضی مطالب النواصب فی نقض بعضی فضائح الروافض (معروف به نقض)، تصحیح میرجلال‌الدین محدث ارموی، به کوشش محمدحسین درایتی، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث، تهران، کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.
۱۶. محمدی ری شهری، محمد، (۱۳۹۴ش)، در هوای دوست (خاطرات دو دهه سرپرستی حج)، قم، مؤسسه علمی فرهنگی دارالحدیث.
۱۷. محقق، علی، (۱۳۷۹ش)، اسناد روابط ایران و عربستان سعودی ۱۳۵۷-۱۳۰۴ش، تهران، وزارت امور خارجه. مرکز چاپ و انتشارات.
۱۸. مختاری، رضا، (۱۳۸۴ش)، حج ۲۵: گزارشی از حج‌گزاری سال ۱۴۲۵ قمری، تهران، مشعر.
۱۹. موسوی بجنوردی، محدکاظم، (۱۳۶۹ش)، دائرة المعارف بزرگ اسلامی، تهران، مرکز دائرة المعارف بزرگ اسلامی.
۲۰. نجاتی، محمدسعید و جعفری، حیدرعلی، (۱۳۹۹ش)، «مروری کوتاه بر دو تخریب بقاع بقیع». فصلنامه علمی ترویجی میقات حج، شماره ۱۱۱، ص ۱۸۵-۲۰۶.
۲۱. هاشمی رفسنجانی، علی‌اکبر «حج و پیوند آن با مسائل معنوی و جهانی در گفت‌وگو با حضرت آیه‌الله هاشمی رفسنجانی»، میقات حج، شماره ۳۰، ص ۵۲-۷۴.

